



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
معاونت پژوهشی و آموزشی

# گروه‌های ضد فرهنگ در نگاه دو باره

دکتر مرتضی منطقی

مرکز پژوهش‌های بنیادی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
معاونت پژوهشی و آموزشی

# گروه های ضد فرهنگ در نگاهی دوباره

دکتر مرتضی منطقی

مرکز پژوهشهای بنیادی

مهر ۱۳۷۵

گروه‌های ضد فرهنگ

از نگارنده دوباره

بسم الله الرحمن الرحيم

در تفسیر و تامل

# گروه‌های ضد فرهنگ

## از نگاهی دوباره

جلد اول

مرتضی منطقی

## بسم الله الرحمن الرحيم

اینکه بنده روی تهاجم فرهنگی این همه تکیه می‌کنم به خاطر این است که تهاجم فرهنگی یک سنگر و جبهه شناخته نشده‌ی دشمن است و لذا باید آن را شناخت.

### مقام معظم رهبری

امروزه تهاجم فرهنگی به عنوان یک مشکل فرهنگی از سوی مسئولان، برنامه ریزان و پژوهشگران فرهنگی مطرح شده است. آگاهی مسئولان و پژوهشگران از این موضوع نه تنها طیف گسترده‌ای از تحقیقات فرهنگی - اجتماعی را برانگیخته است، بلکه بسیاری از سازمانها و نهادهای جامعه را به تلاش مضاعفی در این زمینه واداشته است.

اینگونه پژوهشها گرچه نسبت بیشتری از تحقیقات را به خود اختصاص داده است، اما کافی نیست. برای شناخت عمیق و گسترده و ارائه راه کارهای مناسب برای حل آن مستلزم تحقیقات بیشتری است.

معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تبیین موضوع و نحوه مواجهه آن و تهیه گزارشهای لازم مجموعه ای از تحقیقات را در این زمینه آغاز کرده است. گزارش حاضر نمونه‌ای از تلاشهای به عمل آمده در این زمینه است.

نسخ این سلسله نشریات محدود است. امیدواریم که صاحب نظران و مدیران امور فرهنگی کشور نظرات خود را درباره این گزارشها به این معاونت اعلام فرمایند تا توجه به این نظرات و پیشنهادها گزارشهای موجود اصلاح، تکمیل و در صورت نیاز در اختیار عموم قرار داده شود.

احمد مسجدجامعی

معاون پژوهشی و آموزشی

# فهرست

مقدمه

۱

فصل اول - جنگ جهانی سوم ..... ۹

۱۹

فصل دوم - راه حل گروههای ضد فرهنگ

۳۵

فصل سوم - جابجایی گروه مرجع جوانان

۳۷

۳.۱. فرهنگ آلبوم سازی

۵۲

۳.۲. روند عادی سازی

۸۳

۳.۳. ادامه روند عادی سازی

۱۱۶

۳.۴. گروههای ضد فرهنگ

۱۳۹

فصل چهارم - نگاهی دوباره

## مقدمه

کتاب گروه‌های ضد فرهنگ به بررسی فضایی که جوانان انقلاب اسلامی را دربرگرفته است می‌پردازد.

دو جلد نخست این کتاب به بررسی برخی از عوامل مهم برون‌مرزی مؤثر بر نظام ارزشی جوانان می‌پردازد. جلد سوم این کتاب به بررسی برخی از عوامل مهم درون‌مرزی مؤثر بر فضای فکری و ارزشی جوانان پرداخته و در نهایت جلد چهارم این مجموعه در جستجوی راه‌حلهایی که راه تعالی جوانان انقلاب اسلامی را رقم می‌زنند، به ارائه رهنمودهای لازم کاربردی و اجرایی خواهد پرداخت.

در این جلد که نخستین جلد از مجموعه گروه‌های ضد فرهنگ است، برای نشان دادن برنامه‌ریزیهای همه‌جانبه، تدریجی، عمیق و نظام‌مدار غرب در تغییر مرجع ارزشی<sup>۱</sup> جوانان انقلاب اسلامی، ضمن بررسی یک نمونه، با مستمسک قرار دادن برجسبهای موجود در لفافه آدامسها، شکولاتها، جورابها، پارچه‌ها و... و شلواریهای لی، لی‌وایز و جین و بررسی گروه‌های رپ<sup>۲</sup> و هوی‌متال<sup>۳</sup> در صدد نشان دادن روند

۱ - کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی درباره گروه مرجع (reference group) می‌نویسد:

«اشخاص در مقام شکل دادن به سلوکها و باورهای خود، و در به انجام رساندن کارهایشان، خود را با اشخاص دیگر یا گروه‌هایی از اشخاص دیگر که سلوکها، باورها و اعمالشان را درخور و نمونه می‌دانند، مقایسه می‌کنند. یا از روی تصویر آنها به ترسیم هویت خودشان می‌پردازند. این گروه‌های مورد مراجعه «گروه‌های مرجع» نامیده می‌شوند. (فرهنگ جامعه‌شناسی؛ نیکلاس آبر کرامبی، استفن هیل، برایان ترنر؛ ترجمه حسن بویان؛ نشر چاپخش، ج ۱، ۱۳۶۷، ص ۳۱۵).

کتاب زمینه جامعه‌شناسی نیز در همین رابطه می‌نویسد:

«برخی از گروه‌ها مخصوصاً گروه‌های کوچکی که فرد را احاطه کرده‌اند، بیش از بقیه در زندگی او مؤثر می‌افتند و مورد اعتنای او قرار می‌گیرند، از این‌رو فرد خواه ناخواه، چنین گروه‌هایی را سرمشق خود می‌گرداند و یا موازین آنها به سنجش امور و اشیاء می‌پردازد. اینگونه گروه‌ها را گروه راهنمایی (reference Group) می‌خوانند و هنجارهای آن را که مرجع و ملاک سنجش فرد بشمار می‌روند، مبنای راهنمایی (Frame of reference) می‌نامند». (زمینه جامعه‌شناسی؛ آگ برن و نیم‌کوف؛ اقتباس دکتر امیرحسین آریان‌پور، نشر جیبی و دهخدا، ج ۷، ۱۳۵۳، ص ۲۴۴-۲۴۳).

تغییر تدریجی گروه مرجع اقشاری از نوجوانان و جوانان انقلاب اسلامی برآمده‌ایم. در فصل آغازین این کتاب، پس از تأکید تبدیل جهان به یک دهکده واحد جهانی، به تبیین شکل‌گیری و آغاز جنگ سوم جهانی پرداخته‌ایم. در این قسمت پس از بیان اینکه هدف جنگها همواره به تسلیم و داشتن دشمن، و نه کشتار وی، بوده است؛ از پیشرفت تکنولوژی که به فروریختن مرزهای جغرافیایی انجامیده است، سخن رفته و تأکید گردیده است با پیشرفتهای موجود، مسأله درهم شکستن مرزها، رسیدن به پایتخت دشمن و به تسلیم و داشتن وی، دیگر ضرورت خود را از دست داده است. اکنون امواج رادیویی، تلویزیونی و ماهواره‌ای قادر هستند دشمن را در پایتخت خودش به تسلیم وادارند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف جنگهای اول و دوم جهانی، جنگ سوم جهانی، جنگ اندیشه‌ها و فرهنگهاست و همانطور که در ادامه آمده است، حضرت امام راحل، سلام‌الله‌علیه، با طرح تز «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» راه تفکر و توسعه جدیدی را فراروی جهانیان گشودند که این مسأله غرب را به آغاز جنگ سوم جهانی واداشت. در فصل دوم کتاب در صدد برآمده‌ایم تا روند تغییر تدریجی گروه مرجع حداقل اقشاری از جوانان انقلاب اسلامی را در عصر جنگ سوم جهانی، بنمایانیم؛ از این رو با برگزیدن یک نمونه، به تحلیل القائات فرهنگی برجسب کالاهای غربی پرداخته‌ایم. در این قسمت با بررسی برجسبهای موجود در لفافه آدامسها، شکولاتها و ... نخست تلاش غرب در ایجاد فرهنگ تهیه آلبوم را مورد تأکید قرار داده‌ایم؛ سپس روند عادی‌سازی مسائلی همچون مسائل جنسی را از طریق محتویات همین برجسبها نشان داده و در ادامه با مورد بررسی قرار دادن برجسب شلواریهای لی<sup>۱</sup>، لی وایز<sup>۲</sup>، و جین<sup>۳</sup> نشان داده‌ایم که بعد از ایجاد فرهنگ تهیه آلبوم و پس از القای اهداف فرهنگی غرب در پوشش مواد خام این آلبومها، القائات غرب



گسترش یافته، در کنار مسائل جنسی، موارد دیگری همچون خشونت، اعتیاد و... تبلیغ و ترویج می‌شوند. غرب، پس از اینکه از این طریق قادر به ایجاد یک شبه‌گروه<sup>۱</sup> وسیع با آمیزه‌ای از اهداف فرهنگی خویش شد، در تلاش برای تکمیل اهدافی که در برجسبهای شلواریهای مزبور پیگیری می‌کند، با ایجاد و صدور گروههای ضد فرهنگ، ارزشها، اعمال، موضعگیریها، زبان، اصطلاحات و... خاصی را توسط این گروهها به جوانان ما القا می‌کند تا بدین طریق شبه‌گروه آنها را تبدیل به گروه<sup>۲</sup> سازد. به این ترتیب جوانان انقلاب اسلامی با یک حرکت دقیق برنامه‌ریزی شده که با ایجاد فرهنگ تهیه‌ال‌بوم شروع شده، به عادی‌سازی مسائلی همچون مسائل جنسی می‌انجامد و در ادامه، با گسترش القائات آن، موارد دیگری همچون خشونت و اعتیاد بدان افزوده می‌شود؛ مواجه می‌گردد. حرکت تدریجی فوق که از ۵-۴ سالگی بچه‌ها شروع می‌شود، با ارائه تصاویر کارتونی جاذبی که در نفاذ آدمسها و شکولاتها قرار دارند، آغاز می‌شود. به تدریج با بزرگ شدن بچه، تصاویر کارتونی فوق جای خودشان را به تصاویر فوتبالیستها، هنرپیشه‌ها و خواننده‌ها می‌دهد و همزمان با دوران بلوغ جنسی نوجوان، غرب (و جریانهای ضد فرهنگ داخلی) با در دسترس قرار دادن تصاویر هنرپیشه‌های غالباً زن، محتوای آلبوم نوجوانان را به سمت این تصاویر سوق می‌دهند. با افزایش سن نوجوانان و ورود آنها به عرصه روابط اجتماعی، عناصر دیگری همچون پرخاشگری، عصیان و بتدریج اعتیاد در القائات تصاویر لباسهای مد روز جین ظاهر می‌شوند. البته در این مرحله که فرهنگ آلبوم‌سازی نیز به دلیل عادی شدن، به اغنای کامل جوانان نایل نمی‌آید؛ غالباً تصاویر محرک هنرپیشه‌های خارجی، جای خود را با دیدن فیلمهای ویدئویی سوپر سکس، فیلمهای ماهواره‌ای و مطالعه

۱ - شبه‌گروه (Quasi Group)، گروهی است که فاقد ساخت و سازمان بوده، اعضای آن ممکن است از وجود گروه‌بندی بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع باشند. (جامعه‌شناسی، تی‌بی، باتومور؛ ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی؛ امیرکبیر، ج ۴، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴).

۲ - گروه (group)، ضمن داشتن مبنای روانی در شعور اعضای خویش، بین افراد تشکیل دهنده‌اش روابط معینی را برقرار می‌سازد (پیشین، ص ۱۰۴).

ادبیات سیاه (که ادبیاتی مشحون از سکس و جنایت است) عوض می‌کنند. به همین ترتیب تصاویر مبتنی بر بی‌قیدی، خشونت، پرخاشگری، عصبانیت، اعتیاد، شیطان‌پرستی و... شلواری‌های لی، لی وایز و جین در نقش حد واسطی ظاهر شده، گروه‌های ضد فرهنگ ساخته و پرداخته غرب، به شکلی پویاتر نقش قبلی آنها را که حاوی القائات جنسی، پرخاشگری و اعتیاد بودند را می‌گیرد. به این ترتیب غرب پس از آنکه به ایجاد یک شبه‌گروه وسیع با اهداف مورد نظرش، در اقلاری از جوانان ما، نایل آمد؛ با به کارگیری گروه‌های ضد فرهنگ، کار نیمه‌تمام خویش را به اتمام رسانده، از شبه‌گروه‌های مزبور، گروه‌هایی پدید می‌آورد که در واقع مرجع ارزشی آنها دیگر محیط داخل نبوده، از این محیط قطع شده و به فضای غرب پیوند خورده است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که غرب با یک عملیات روانی<sup>۱</sup> دقیق<sup>۲</sup>، و در یک روند طولانی، موفق به تغییر مرجع ارزشی اقلاری از جوانان این مرز و بوم می‌گردد.

در جلد دوم کتاب پس از بحثی که در مورد به کارگیری تکنیک‌های پیشرفته تبلیغاتی توسط غرب داشته‌ایم، به بررسی مسأله اسوه‌ها پرداخته‌ایم. طرح اسوه‌ها یکی از مصادیق دیگر تبلیغات غریبه‌است که در شتاب گرفتن روند تغییر تدریجی گروه مرجع جوانان انقلاب اسلامی بشدت مؤثر واقع می‌آید. بریدن از اسوه‌های مذهبی و ملی خودی و پیوند خوردن با اسوه‌های غربی (آن هم نه فرضاً اسوه‌های دانشگاه‌های غرب، بلکه اسوه‌های محله‌های همچون هارلم) مقدمات تشکیل ارتش آزادی‌بخش سلطنت‌طلبان را در بین اقلاری از جوانان داخل ایران، فراهم می‌آورد.

غرب در تبلیغات خویش از دستاوردهای علمی موجود به شکل بهینه‌ای سود جسته، با اتکا به همین دستاوردها، اقدام به پیش برد اهداف خویش می‌کند.

1 - Psychological Operations

۲ - لازم به ذکر است که مشابه این موارد نیز در تبلیغات غرب وجود دارد که در جلد دوم کتاب به مورد دیگری از آن خواهیم پرداخت.

در بحث مزبور با طرح یادگیریهای شرطی فعال<sup>۱</sup>، شرطی کلاسیک<sup>۲</sup>، مشاهده‌ای<sup>۳</sup> و پنهان<sup>۴</sup> نشان داده شده است که چگونه غرب از این دستاوردها برای القای اندیشه‌های مورد نظرش سود می‌جوید.

در ادامه، پس از طرح تکنیکهای مزبور، با عنایت به محتوای تبلیغات غرب، به عنوان نمونه، مسأله اسوه‌سازیه‌های غرب را به عنوان حرکت برنامه‌ریزی شده دیگری که در پی تغییر مرجع ارزشی جوانان انقلاب اسلامی است، مورد نظر قرار داده‌ایم.

اسوه‌ها، در طول تاریخ و در مکاتب مختلف، همواره از اهمیت بسزائی برخوردار بوده‌اند؛ چگونه بودن و چگونه شدن را به انسانها و جوامع می‌آموزند. از این رو بسان چراغی فراروی انسانها عمل کرده، راه را بدانها می‌نمایانند. بالطبع اگر ما فراروی جوانانمان اسوه‌های همچون شهید فهمیده، شهید همت و... را مطرح کرده، اسباب دل‌بستگی آنها به این اسوه‌ها را فراهم آوریم؛ آنها در خطی متفاوت از جوانانی حرکت خواهند کرد که افرادی نظیر راکي، رمبو، جاکسون، مدونا و... را به عنوان الگوهای زندگی خویش انتخاب کرده باشند.

در بحث اسوه‌ها، با بررسی عملکرد غرب، در صدد برآمده‌ایم تا نشان دهیم که غرب چگونه اولاً اسوه‌های مذهبی و ملی ما را در تولیدات به اصطلاح فرهنگی خویش، نفی کرده، از آنها چهره‌های منفور و مطرود می‌سازد و ثانیاً چگونه با تمسک به شیوه‌های پیشرفته تبلیغاتی در صدد اثبات ارزشهای مورد نظر خود برمی‌آید و به چه طریقی عمل می‌کند که اسوه‌های همچون باجیو، آرنولد، بروس‌لی، مدونا و... را به شکل عمیقی در جوانان ما درونی ساخته، به این ترتیب قطع ارتباط ارزشی جوانان با ریشه‌های فرهنگ ملی - مذهبی خودش و پیوند خوردن با ریشه‌های فرهنگ غرب را محقق می‌سازد.

1 - Operant Conditioning

2 - Classic Conditioning

3 - Observational Learning

4 - Latent Learning

در جلد سوم کتاب برخی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری تفکر و ارزشهای جوانان انقلاب اسلامی در داخل مرزهای کشور را مورد نظر قرار داده و با توجه به تشتت ارزشی موجود، سعی در بازشناسی عوامل مزبور کرده‌ایم.

در این قسمت پس از اشاره‌ای که به مسئلهٔ جامعه‌پذیری داشته‌ایم، از جامعه‌پذیری ناهماهنگی که به علت تفاوت القائات عناصر جامعه‌پذیرکننده در جامعهٔ خودمان داریم، یاد کرده، آن را علت «هرج و مرجی»<sup>۱</sup> که در غالب کارها و برنامه‌ریزیهای ما وجود دارد؛ دانسته‌ایم. در ادامه پس از طرح دوگانگیهای بسیاری که در رفتار و عمل ما از گذشته تاریخ ادامه داشته و ریا را به مثابهٔ یک عنصر، در مجموعهٔ عناصر فرهنگی ما درآورده است، یاد کرده‌ایم؛ عنصری که سرخوردگیهای بسیاری برای جوانان ما به ارمغان می‌آورد.

پس از اشارات فوق که بیشتر ناظر به مسائل تاریخی جامعهٔ ما هستند، در ادامه از بی‌برنامگی و سرمایه‌گذاریهای اندک در امر جوانان یاد کرده و سپس از برخی از جریانهای سردرگم فرهنگی موجود در کشور سخن به میان آورده‌ایم. اسوه‌سازیهای نابجای این جریانهای سردرگم، عنوان بعدی است. جریانهای مزبور در حرکتی سردرگم خویش دست به اسوه‌سازیهایی می‌زنند که غالباً نه تنها در راستای تبیین و ارائهٔ اسوه‌های مذهبی و ملی ما نیستند، بلکه گاه مشاهده می‌شود که در راستای تبلیغ و ترویج اسوه‌های ساخته و پرداختهٔ غرب عمل می‌کنند.

کنترل سیاسی، بحث دیگری است که در ادامهٔ مباحث فوق مطرح شده است. شیوه‌های کنترل را می‌توان در سه مقولهٔ متابعت<sup>۲</sup> یا کنترل مبتنی بر زور و ارباب، همانندسازی<sup>۳</sup> یا کنترل مبتنی بر عواطف و احساسات و درونسازی<sup>۴</sup> یا کنترل مبتنی بر عواطف و منطق دانست. از لحاظ تأثیر، درونسازی عمیقترین تأثیر، سپس همانندسازی و در نهایت متابعت یا کنترل مبتنی بر زور کمترین تأثیر ممکن را

1 - Anomie

2 - Compliance

3 - Identification

4 - Internalization

دارند. بنابراین پرثمرترین شیوه القای اهداف فرهنگی، درونسازی و بی‌ثمرترین شیوه متابعت است. اما اگر به روشهای برخورد مسئولان تربیتی، آموزشی و... با جوانان توجه کنیم، بیشتر شاهد آن هستیم که روشهای ساده کنترل سیاسی یا کنترل مبتنی بر زور که کاربرد آنها متضمن هیچگونه پیچیدگی و ظرافت خاصی نیست، مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

نتیجه سرمایه‌گذاریهای وسیع غرب روی جوانان ما، پیچیدگی برنامه‌های آن و حرکت تدریجی و مرحله به مرحله آن از سویی و بی‌برنامگی نسبی ما در امر جوانان، اسوه‌سازیهایی نابجا، شیوه‌های کنترل نامناسب و... از سوی دیگر به ابتدال ارزشی، مخالفت سیاسی و... اقشاری از جوانان ما می‌انجامد.

در جلد چهارم کتاب با طرح اینکه با توجه به شرایط پرشتت موجود، در ارتباط با جوانان انقلاب اسلامی چه باید کرد؛ در صدد پاسخ به این سؤال برآمده‌ایم.

در این قسمت پس از طرح اینکه خط‌مشی اسلام در برخورد ریشه‌ای با انحرافات رفتاری موجود در جوامع، نخست ایجاد فضای مناسب و سپس نفی انحراف است، از ضرورت ایجاد زمینه‌های اثباتی فوق سخن گفته‌ایم. این زمینه‌ها ضمن آنکه شامل موارد فرهنگی است، شامل موارد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز هستند، زیرا بیشتر تعامل عوامل فوق هستند که آسیبزا واقع می‌شوند.

در بحثهایی که در زمینه مسائل فرهنگی داشته‌ایم، با توجه به روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، برنامه‌های عملی ارائه کرده و طی آنها سعی کرده‌ایم تا این برنامه‌ها دقیقاً مبتنی بر زمینه‌های فطری و اقتضائات موجود جوانان باشد؛ از این رو با طرح ویژگیهای عاطفی، روانی، اجتماعی و شناختی جوانان، نظیر هویت‌طلبی، روحیه سرشار از خیرخواهی، عواطف و احساسات شدید، هیجان‌جویی و

۱ - لازم به ذکر است که در این مجموعه کتابها، مسأله جوان انقلاب اسلامی عمدتاً از بعد فرهنگی - اجتماعی مورد نظر قرار گرفته، به دلایلی عوامل سیاسی - اقتصادی جامعه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

تنوع طلبی، گروه‌گرایی، حقیقت‌جویی و کنجکاوی، تمایلات جنسی، جستجوی ارزشها و... اقدام به ارائه برنامه‌هایی کرده‌ایم که غالباً در تجربیات انجام شده، کفایت خویش را نشان داده‌اند.

در خاتمه از انبوه دانشجویان بزرگواری که در گردآوری برخی از اسناد و مدارک به بنده کمک کرده‌اند، بویژه برادران ارجمند آقایان سیدحجت‌الله موسوی و رضا علی‌پور تشکر می‌کنم.

و در آخر انشاءالله که او پذیرنده این سیاهه است.